

جلسه صد و نهم
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه ۲۱ جلدی ۱۳۰۳
مطابق با نوزدهم جمادی
الثانی ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
بریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید
(صورت مجلس روز قبل را آقای
میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده
بعد از تصویب صورت مجلس عرضی
دارم

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - قبل از شروع بدستور
عرضی دارم

رئیس - آقای عماد السلطنه
(اجازه)

عماد السلطنه - آقای حاج میرزا
یحیی دولت آبادی را جزء غائبین بی اجازه
نوشته اند در صورتیکه ایشان قریب یک
هفته است مریض هستند .

رئیس - بلی مریض هستند و بنا شد
بکمیسیون مراجعه شود تا تکلیفش معلوم
شود

آقای مشیر معظم
مشیر معظم - بنده قبل از دستور
عرضی دارم

مدیر الملک - آقای میرزا یدالله
خان را جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند
در صورتیکه ایشان بواسطه فوت یکی از
بستگانشان بیست روز اجازه خواسته
بودند

رئیس - آقای طهرانی -
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - آقای
الموتی بواسطه گرفتاری فوت مادرشان
دیروز نتوانستند تشریف بیاورند و ایشان را
بدون جهت غایب بی اجازه نوشته اند

رئیس - آقای امیر اعلم -
(اجازه)

امیر اعلم - آقایان مشیرالدوله و
رهنما را که در صورت مجلس غایب بدون
اجازه نوشته اند هر دوشان مریض
هستند

رئیس - میبایستی یاد داشتی فرستند
که مراجعه بکمیسیون بشود -

آقای کازرونی
آقای کازرونی - قبل از دستور عرضی
داشتم

رئیس - راجع بصورت مجلس گویا
ایرادی نیست؟

آقای مصدق الملک
(اجازه)

مصدق الملک - بنده را غایب بی اجازه
نوشته اند - بنده اجازه خواسته بودم -
رئیس از کمی اجازه خواسته اند؟
مصدق الملک - از کمیسیون عرضی -
رئیس - بکمیسیون تذکر داده خواهد
شد -

آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرضم
راجع بسؤالی بود که از وزارت مالیه کرده ام
استدعا میکنم مقرر فرمائید - حاضر
شوند که پس از دو ماه جواب بنده را بدهند
ویکی هم در خصوص طراز بود که بالاخره
معلوم نشد راپرت آن بیرون آمد یا خیر
خواستم ببینم تکلیف این چیست و چه
باید بشود

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - البته خاطر آقایان از
خرابی هائیکه هر روزه دست طبیعت یادست
بشود در آبادی های این مملکت میکنند
مسبق است

بموجب قانون اساسی دولت هیچ
مالیاتی نمیتواند بدون اجازه مجلس وضع
کند و هیچ تخفیفی هم نمیتواند بدهد مگر
با اجازه مجلس شورای ملی در این دو سه روزه
سپه های هدیده که آمد و خرابی هائیکه
قائم و باقی یزد و سایر نقاط وارد آورد
آقایان مسبوقند و این خرابیها از اطلاعاتی
است که این سه چهار روزه رسیده

بدیهی است از اول مشروطیت تا بحال
هم این قبیل خرابیها بوده و از آنوقت يك
جزو جمع مالیاتی در این مملکت معمول
بوده است و همیشه از مودیان مالیاتها مطالبه
میکرده اند و اگر يك اصل کلی مجلس اتخاذ
نکند و بدولت دستور ندهد هر عملی که دولت
بکند برخلاف قانون و برخلاف وظیفه اش
میباشد - در دوره چهارم قانون میزنی برای
رفع این معایب بمجلس آمده و دوشور هم
شد و چون مقارن شد با ورود مستشاران
امریکائی دولت آن قانون را استرداد کرد
و ماند تا دوره پنجم در پنجم در برج جوزا
جمعی از آقایان بموجب ماده ۲۳ نظامنامه
خود را ذیعق دانستند که تقاضا کنند این
لایحه که در مجلس پیش مطرح بوده در این
دوره بکمیسیون مراجعه شود و تقریباً چند
ماه طول کشید تا در برج میزان دولت يك
لایحه تنظیم کرد و آورد بمجلس

از برج میزان باینطرف این لایحه
راپورتش از کمیسیون قوانین مالیه بیرون
نیامده و بموجب ماده ۲۵ نظامنامه صاحب
طرح یا لایحه حق دارد اگر دو ماه يك لایحه
در کمیسیون معطل ماند و خبرش بیرون نیامد
تقاضا کند در مجلس مطرح شود این است که
بنده استدعا میکنم از هفته آتی هفته يك روز
را با مخصوص شور در لایحه قانون میزنی
قرار بدهیم که در مجلس مطرح شود و روز

شنبه را برای اینکار اختصاص بدهند اینست
که تقاضا میکنم -
آقایان هم قبول بفرمایند که روزهای شنبه
لایحه میزنی در مجلس مطرح شود تا
تکلیف مردم و تکلیف دولت هم معلوم
شود

رئیس - آقای مشیر معظم
(اجازه)

مشیر معظم - بنده عرض میکنم
دیشب در مجمع جوانان ایران آقای علانی
کنفرانس جالب توجهی دادند
که يك قسمتی از بیاناتشان راجع بنفت
شمال بود -

بنده بیمناسبت نمیدانم خدمت آقایان
تذکر بدهم که يكسال و نیم تمام تقریباً وقت
مجلس چهارم و پنجم صرف اینکار شد و تا
کنون هیچوجه من الوجوه اثری از این
کار ظاهر نشده و هیچ فایده برای دولت و
ملت حاصل نگردیده است جز اینکه از
خزانه فقیر مملکت قریب سبصد هزار تومان
مخارج اینکار شده است و معلوم نیست
تکلیف اینکار چیست

بنده خواستم تذکر بدهم اگر آقایان
صلاح میدانند يك تذکری بدولت داده
شود که يكدهم دیگر بکمیسانی سینگلر
اطلاع بدهند که اگر حاضر است با آن
شرایطی که معین شده یعنی مطابق آن
قانونی که مجلس تصویب کرده است رفتار
کنند دو میلیون دلاری که بایستی قرض
بدهد قرض میدهد که این
امتیاز با او اگذار شود و اگر حاضر نیست
آقایان که مستحضرنند در ابتدای امر
گفتیانی استاندار اوایل که یکی از مهمترین
کمپانیهای دنیا است حاضر بود برای این
کار با و مراجعه کنند اگر او با همین شرایط
و دادن ده میلیون دلار بشرط اینکه سر -
مایه از امریکائی ها و ایرانیها باشد حاضر است
قبول کند با و داده شود و الا باین ترتیب
اسباب نگرانی و اتلاف وقت مجلس
است .

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بنده می خواستم استدعا
کنم اگر ممکن باشد چند فقره راپرت از
کمیسیون عرضی است راجع باستجاره ها
قرائت شود .

چون هر روز در مجلس يك صحبتی
در این موضوع میشود خوب است تکلیف آنها
معلوم شود

رئیس - در آخر جلسه خوانده میشود
آقای مشار اعظم

(اجازه)

مشار اعظم - آقای حائری زاده از
تاخیر تقدیم لایحه میزنی به مجلس اظهار
نگرانی فرمودند و بالاخره فرمودند که
این لایحه در خود مجلس مطرح شود
برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم

که این موضوع در چندی قبل در کمیسیون
قوانین مالیه مطرح شد و بدون تأخیر جلسات
کمیسیون متعاقب هم تشکیل شده است و
در این باب مذاکراتی شده است البته
آقایان تصدیق خواهند کرد که لایحه
میزنی که راجع باخذ مالیات اراضی است
امر کوچکی هست که بتوان بدون مطالعه
کامل راپرت آن را تقدیم کرد و اگر بنا
باشد این لایحه در مجلس مطرح شود گمان
میکنم سبب خواهد شد که اوقات کمتری
از مجلس را اشغال کند و برای استحضار
آقایان عرض میکنم که مطابق اطلاعاتی
که در کمیسیون تحصیل کرده ام اصولاً
اخذ مالیات در نقاط مملکت هر کجا
صورت خاصی داشته و عقیده دولت این
است که اخذ مالیات بایستی از روی عایدات
باشد برای اینکه يك اصل ثابتی باشد که
اشکالاتی که در ترازوی بین الملک و رعیت
پیش میآید مرتفع شود و البته تصدیق
می فرمائید که اخذ مالیات از خود عایدات
خالی از اشکال نیست و تا کنون هم
مذاکرات زیادی در کمیسیون شده
نظر اغلب آقایان نمایندگان هم که عضو
کمیسیون نبودند جلب شده و يك پیشنهاد
هائی در کمیسیون طرح و قبول شد ولی
باز دولت آن پیشنهاد را برای انجام
مقصد خودش کافی نمی دانست این بود که
لازم دانستند در آن قانون تجدید نظر
شود دیروز هم مخصوصاً در این باب مذاکرات
زیادی شد امروز عصر هم بناست کمیسیون
تشکیل شود و بنده گمان میکنم بهین
زودی راپرت آن از طرف کمیسیون
تقدیم شود و لازم نیست که در
مجلس مطرح شود و وقت مجلس تلف
شود .

(بعضی از نمایندگان وارد
دستور شویم)

رئیس - وارد دستور میشود دستور
امروز قرار دادیستی و تلگرافی بین ایران
و روس است خاطر آقایان را متوجه میکنم
بماده ۳۲ نظامنامه مذاکرات راجع به
کلیات است .

حائری زاده - مدافع ندارد - مخبر که
نیست - دولت هم که نیست

رئیس - مخالفی ندارد ؟ آقای آقا
سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض
کنم اینکه آقای حائری زاده فرمودند
مدافع ندارد چون آقای رهنما که مخبر
هستند مریض هستند آقای شیروانی که منشی
هستند تشریف دارند و اگر توضیحاتی
لازم باشد می توانند بدهند .

رئیس - در کلیات مخالفی نیست
(اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم برای دخول
در شور مواد آقایانیکه دخول در شور

مواد را تصویب می کند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - در ماده اول اعتراضی نرسیده است آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - مقصود از ماده اول ماده ایست که مجلس باید تصویب کند.

رئیس - خیر ماده قرارداد تقی زاده - بنده ملاحظاتی راجع به

ماده واحده دارم اگر موقعش حال است حال عرض کنم و اگر موقعش در آخر است آنجا عرض کنم

رئیس - موقعش در آخر است - در ماده دوم هم اعتراضی نرسیده است

آقا سید یعقوب - خوب است قرائت شود ...

رئیس - یک کتابچه است قرائت شود؟ طبع و توزیع که شده است - در ماده سوم هم اعتراضی نرسیده است و همینطور تا ماده

۱۳ آقای افشار (اجازه)

افشار - بنده در ماده چهار عرضی دارم -

رئیس - باید قبلا اعتراض خود را داده باشید که طبع و توزیع شود شور اول این قرارداد ختم شد رأی می گیریم

بدخول در شور ثانی آقایانیکه دخول در شور ثانی را تصویب می کنند قیام فرمایند -

رئیس - باید قبلا اعتراض خود را داده باشید که طبع و توزیع شود شور اول این قرارداد ختم شد رأی می گیریم

بدخول در شور ثانی آقایانیکه دخول در شور ثانی را تصویب می کنند قیام فرمایند -

رئیس - تصویب شد - قرارداد تلگرافی مطرح است - در کلیات مخالفی نیست -

(اظهاری نشده)

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند -

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد در این یکی هم از ماده ۱ تا ماده ۱۳ اعتراضی نشده است شور اول اینهم تمام شد - رأی میگیریم

برای دخول در شور ثانی - آقایانیکه رأی میدهند بشور دوم قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق

نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان ارجاع بکمسیون باشد

قانون سرجل احوال مطرح است - در کلیات مخالفی است؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند -

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت

میشود -

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - عموم اتباع ایران پس از يك سال از تاریخ تأسیس شعب سرجل احوال ایالات و ولایات باید دارای ورقه هویت باشند -

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده مخالفم -

رئیس - آقای طهرانى - (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى - بنده یکسال را کم میدانم و برای اینکه عامه مملکت در این مسئله شرکت کنند خوب است اقلامت را دو سال قرار بدهند -

آقا میرزا شهاب مخبر کمسیون - مقصود از یکسال پس از موقعی است که شعب سرجل احوال در ولایات تشکیل شوند نه اینکه از وقتی که قانون در مجلس تصویب

شود از موقعیکه در ولایات شعب سرجل احوال تشکیل شود اعلان نمودند گمان می کنم يك سال کافی است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم فرمایش آقای مخبر خیلی خوب است ولی عبارتی که در این ماده نوشته شده این مقصود را نمیرساند خوب است عبارت را

یک نوعی بکنند که معلوم شود -

يك سال پس از تأسیس شعب سرجل احوال در ولایات مردم باید ورقه سرجل احوال را داشته باشند و عبارت این ماده آن معنی را که فرمودند از مستفاد نمیشود -

مخبر - البته اگر آقایان يك ماده واضحتری پیشنهاد کنند کمسیون هم حاضر است بپذیرد ولی گمان میکنم همین عبارت هم واضح باشد برای اینکه نوشته شده است پس از یکسال از تاریخ تأسیس شعب سرجل احوال در ایالات و ولایات و این هیچ ابهامی ندارد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - آقای مخبر همچو گمان فرمودند که ماعقیده مان اینست که پس از گذشتن این قانون از مجلس تا مدت یکسال کلیه افراد باید دارای ورقه سرجل احوال باشند

چطور ممکن است ما چنین عقیده داشته باشیم در صورتیکه ماعقیده داریم که شاید تا دو سال دیگر اصلا شعب سرجل احوال در ولایات تشکیل نشود - مقصود این بود که در ماده که نوشته شده بعد از تشکیل شعب در ولایات پس از یکسال مردم دارای ورقه سرجل احوال باشند کافی نیست برای

اینکه اکثریت اهالی ایران را دهات

و قراء و بادیه نشین ها تشکیل میدهند آیا تمام اهالی دهات و قراعه قوه برقی متوجه میشوند و آن الزاماتی که برای آنها لازم است موجود میشود که بیایند و سرجل بگیرند؟

دو صورتیکه آقا خودشان معاینه فرموده اند در طهران چند سال است اداره سرجل احوال دایر است و همه گونه مهرکات هم فراهم آورده اند و هزار گونه توضیقات ایجاد کرده اند که مردم بروند ولو با جبار هم باشد ورقه سرجل احوال بگیرند -

با این حال هنوز بقدر نصف یا ثلث مردم ورقه سرجل احوال نگرفته اند و دولت هنوز موفق نشده است عمده واقعی اهالی طهران را تشخیص دهد -

آنوقت آقا میفرمایند پس از یکسال در ولایات عموم اهالی اعم از دهاتی و کوه نشین و صحرائین و غیره باید دارای ورقه سرجل احوال باشند -

خوب است تصدیق بفرمائید که این مسئله عملی نیست -

ما که نباید شوخی کنیم بنابراین خوب است مدتش را زیادتر کنیم که عملی شود -

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده دوم قرائت میشود (باینترتیب خوانده شد)

ماده ۲ - کسانی که قبل از این تاریخ متولد شده اند باید سرجل احوال خود را بوسیله رئیس خانواده در اوراق اظهارنامه (نخستین) نوشته تسلیم مأمور سرجل احوال نمایند -

نمونه نمره ۹ اشخاصی که باید اظهار نامه بدهند همچنین رئیس خانواده که باید بوسیله او اظهارنامه مرتب شود هر گاه از انجام تکلیف خود تخلف ورزند مسئول خواهند بود -

تبصره - اشخاصی که در تحت قیمومیت شرفی هستند قیم خاص آنها و اگر قیم خاص ندارند مدعی العموم یا قائم مقام او باید اوراق اظهارنامه را نوشته تسلیم مأمور سرجل احوال نمایند -

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده عرضی ندارم -

رئیس - آقای طهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى - عبارت این ماده مجمل است و علتش این است که مینویسد رئیس خانواده معلوم نیست رئیس خانواده کیست؟

يك ایل دارای صد هزار جمعیت هستند و یک نفر رئیس دارند آنوقت این یک نفر مسئول تمام این صد هزار نفر جمعیت

است؟

باید معلوم شود مراد از رئیس خانواده کیست -

مخبر - راجع باین لفظ هم در کمسیون خیلی مذاکره شد که مقصود از رئیس خانواده کی است؟

ولی يك نقطه واضحتری که بهتر اداء مقصود را بکنند پیدا نکردم

زیرا همیشه رئیس خانواده پدر نیست گاهی میشود عمو است، گاهی دایی است گاهی جد است، گاهی مادر است -

مقصود این است که آن کس که در خانواده سمت ریاست دارد و اخلاقاً سایرین در تحت او امر او هستند او بایستی اینکار را بکند و واضحترا رئیس خانواده نتوانستیم لفظی پیدا کنیم -

اگر آقایان لفظ بهتری سراغ دارند پیشنهاد کنند کمسیون هم بپذیرد (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده سوم (این قسم قرائت شد)

ماده سوم - هر گاه اظهار کنندگان سواد نداشته باشند مأمور سرجل احوال اظهارات آنها را با حضور دو نفر از ممتدین مهل نوشته به مهر میرساند -

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - ماده چهارم (باین مضمون خوانده شد)

ماده چهارم - هر رئیس خانواده برای خانواده خود اسم مخصوص انتخاب کند که تمام افراد خانواده به آن اسم نام برده شود -

بنا بر این هر کسی دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانواده و نام مشخص مثلا اسکندر ابراهیم بر فرض اینکه اسکندر نام شخص و ابراهیم نام خانواده او باشد

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده میخواستم در خصوص کلمه رئیس خانواده عرض کنم بسا هست که يك خانواده منسوب میشود از چند خانواده و چند رئیس خانواده بآن معنایی که آقایان قائل شده اند دارد -

حالا سایر اعضا خانواده تا چه اندازه نسبت برایشان تبعیت داشته باشند آن امر است که حالا نمیخواهم عرض کنم ولی یک وقت هست که هر قسمت از این خانواده مطابق رأی و میل خودشان یک سبیل احوال برای خودشان انتخاب میکنند و این جا آن رئیس خانواده یعنی آن پیرمردی که آقایان قائلند رئیس خانواده است او را مسئول قرار داده اند در صورتیکه حالا بنده نمی بینم چه مردها را آنطور که سابقاً معمول بود جوانها متابعت کنند فرضاً آن پیرمرد آمد و یک اسمی برای خانواده خودش اتخاذ کرد آن وقت پسرش یا برادر کوچکش همچو مقتضی میدانند که یک اسم دیگر برای خودش در نظر بگیرد و اگر اینطور شد چه باید کرد؟ اولی ملتی هست ؟

دومی ملتی هست ؟ تکلیف اینها چیست ؟ در هر صورت خانواده یعنی چه ؟ یعنی یک زن و یک شوهر و یک خواهر و یک برادر ؟

یا خیریک طایفه که یک بزرگتر داشته باشد او رئیس خانواده است ولو چندین خانواده باشند و آن بزرگتر مسئول گرفتن سبیل احوال برای تمام این طایفه است ؟ خوبست توضیح بدهند که اسباب زحمت نشود .

مخبر - رئیس خانواده را حضرت عالی هر کس را میخواهید بخوانید همان طور که عرض کردم رئیس خانواده بزرگتر خانواده است و راجع بتعیین اسم هم فرضاً یک رئیس خانواده آمد یک اسم را انتخاب کرد برادرش آن اسم را قبول نکرد برای خانواده خودش انتخاب کرد ضروری بجائی وارد نمیشود . در صورتیکه معمولاً در موقع انتخاب اسم خانوادگی رئیس خانواده برادر همو دائی و غیره را اطلاع میدهند و آنها که جمع شدند یک اسمی را انتخاب میکنند . فرضاً هم که قبول نکردند فلان رئیس خانواده یک اسم را انتخاب میکنند و آن دیگری را اشکال ندارد . (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده پنج (اینطور قرائت شد) ماده پنجم - القاب همیشه در ورقه هویت بعد از اسم شخص ذکر خواهد شد و مأمور سبیل احوال باید سند لقب را معاینه نماید ..

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

رضیاء الواعظین - عرضی ندارم

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در هر ماده که اجازه میخواهم میگویند مذاکرات کافی است ولی چون شور اول است بنسبت اهمیت نمی دهم .

در این ماده چون اصولاً من بالقاب مخالف هستم این ماده را زائد میدانم و اگر این ماده را ماصوب کنیم القاب را تبیین کرده ایم و باید در موقع شور ثانی دلائل خود را عرض کنیم

مخبر - بنده با آقای تدین کاملاً عقیده هستم و بالقاب هم مخالف این ماده برای این است که القابیکه فعلاً هست لا اقل صحیح باشد .

نه اینکه هر کس بیاید فرضاً فقام - السلطان - فقام التجار - فقام الممالک یا فلان لقب را برای خودش در خارج درست نماید ..

مقصود این است این القاب که فرمان ندارند از بین بروند و اقلاً آن القابیکه صحیح است باقی بماند والا اعضاء کمیسیون هم تماماً با حضرت عالی موافقت

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده هم با القاب مخالف **بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده ششم قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده ششم - مأمورین سبیل احوال بر طبق اوراق اظهارنامه برای هر فرد یک ورقه هویت صادر نموده اظهارنامه ها را بترتیب حروف تهجی اسامی خانوادگی در دفتر یاد داشت ثبت نموده سپس برای حکومت ارسال مینمایند نمونه نمره ۲

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بعقیده بنده در یک لایحه قانونی مورد ندارد که ما مواد نظامنامه را بنویسیم که مثلاً اسامی خانوادگی را جلو بنویسند یا اسامی اشخاص را یا مأمور سبیل احوال چطور دفتر مرتب کند .

بعقیده بنده این قسمتها در اینجا زائد است و بعلاوه این ماده بهم است برای این که میگوید اوراق اظهارنامه و سبیل احوال را وقتی که تمام کردند باید تسلیم حکومت کنند .

چطور تسلیم حکومت بکنند ! اوراق سبیل احوال یک جریان و سوابقی در نظر ما داشته است .

البته هر کس سبیل احوال بگیرد یک نام خانوادگی هم برای خودش معین می کند و این اوراق هویت باید در دست خودشان باشد

ولی این ماده میگوید اوراق را باید تسلیم حکومت کنند و بنده اساساً با این ماده مخالفم

مخبر - نماینده محترم در این قسمت دو اشباه فرمودند :

اعتراض اولشان راجع بماده پنج بود که اسم را مقدم بنویسند یا لقب را و راجع بقسمت دیگر هم که فرمودند ورقه سبیل احوال را برای حکومت میفرستند اینطور نیست .

ورقه سبیل را نمیفرستند آن دفتری که اسامی خانوادگی را ثبت میکنند برای حکومت میفرستند و البته ورقه سبیل احوال ضبط میشود و ورقه هویت هم بکسیکه ورقه سبیل احوال را داده است داده میشود

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عقیده ندارم که دفتر را بدارال حکومت بفرستند چون اداره سبیل احوال یک اداره است که باید همه روزها ایجاد و اندام را ثبت نماید یعنی یکی میبورد و یکی بدنیا میآید همه را باید ثبت کند

بنابر این باید سوادى از برای حکومت بفرستند که حکومت از همه موجودین و مفقودین اطلاع پیدا کند نه اینکه تمام دفتر را بفرستند آنجا

شاید دارال حکومت آتش گرفت آنوقت مجدداً یک دفتر سبیل احوال دیگری معین کنند و از سر نو شروع کنند

مخبر - اگر موافقند مراجع بفرمائید در آن مواد کاملاً تکلیف اوراق سبیل احوال معین شده است که هر سال باستانی بر طبق اوراق اظهارنامه برای هر فرد یک ورقه هویت صادر نموده اظهارنامه ها را بترتیب حروف تهجی اسامی خانوادگی در دفتر یاد داشت ثبت نموده سپس برای حکومت ارسال مینمایند نمونه نمره ۲

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بعقیده بنده در یک لایحه قانونی مورد ندارد که ما مواد نظامنامه را بنویسیم که مثلاً اسامی خانوادگی را جلو بنویسند یا اسامی اشخاص را یا مأمور سبیل احوال چطور دفتر مرتب کند .

بعقیده بنده این قسمتها در اینجا زائد است و بعلاوه این ماده بهم است برای این که میگوید اوراق اظهارنامه و سبیل احوال را وقتی که تمام کردند باید تسلیم حکومت کنند .

چطور تسلیم حکومت بکنند ! اوراق سبیل احوال یک جریان و سوابقی در نظر ما داشته است .

(پیشنهاد آقای تقی زاده شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجای لفظ سبیل احوال عبارت اسم و رسم در تمام مواد قانون گذاشته شود

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم بجای کلمه حکومت اداره سبیل احوال نوشته شود .

رئیس - ماده هفتم (باین ترتیب خوانده شد)

ماده هفتم پس از انقضای سال که تمام سکنه هر حوزه ورقه هویت گرفتند حکومت خلاصه تمام اظهارنامه های سکنه حوزه حکومتی خود را بترتیب سنوات ولادت در ورقه سبیل احوال ولایتی ثبت میکند نمونه نمره ۳

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - چند ماده در این قانون دارد که شرحی نوشته و بعد مینویسد نمونه یک و دو سه و اصولاً بنده یا آقای ضیاء الواعظین موافق هستم و این مواد را زائد میدانم .

مجلس باید اجازه بدهد بدولت که یک احصایه صحیحی برای اینجملکت تنظیم نماید دیگر این که ما بیاییم این نظامنامه را از مجلس بگذرانیم که مثلاً دفترش چه شکل باشد یا نمونه اوراقی که میدهند چطور باشد این اسباب تبیین وقت مجلس است و مثل این است که ما بیاییم این جا نظامنامه داخلی تشکیلات نظمی را بگذرانیم و بگویم مثلاً آزان را بعد از یکسال نمره فلان بدهند یا بعد از دو سال رتبه اش را بالا ببرند بعقیده بنده اینها جزو نظامنامه داخلی است و اصلاً اینجا لزومی ندارد ذکر کنیم بهتر این بود یک ماده کلی پیشنهاد میکردند که وقت مجلس هم زیاد صرف نشود ولی حالا که این مواد را پیشنهاد کرده اند خوب بود بطور کامل پیشنهاد میکردند زیرا در صورتیکه بنا است نظامنامه هم از مجلس بگذرد باید یک نظامنامه ناقص نباشد

مخبر - نمونه هایی که نوشته شده است اصلش در کمیسیون هست و ممکن است آقای ملاحظه فرمایند و چون یک ورقه های بزرگی بود از این جهت چاپ کردنش حالا بی موقع بود .

در آن اوراق اسم خانوادگی و اولاد و محل سکنتی و سن و شغل و اینطور چیزها را می نویسند و اما نسبت به نظامنامه که

فرمودید بطور کلی یک ماده بنویسند و بدولت اختیار بدهند اگر این اصل کلی را قابل میشدیم آنوقت باید در قانون انتخابات هم تمام مواد را بگذرانیم کنار و بگوئیم دولت يك وكلائی انتخاب بکنند و مجلس بفرستند بترتیبی هم که باشد عیب ندارد و حال اینکه بنده در همان نظامنامه هایی هم که در قانون اجازه داده میشود عقیده ام این است که باید آنها هم در اینجا تصویب شود .

زیرا اغلب شرایطی که واقع میشود در اثر همان نظامنامه است .

نظامنامه تجدید تریاک را ملاحظه فرمائید ببینید چه اشکالاتی برای مردم تولید می کند و باین ترتیب بنده گمان میکنم این قسمت ها لازم است در هر قانون نوشته شود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده هشتم (باین عبارت قرائت شد)

ماده هشتم - فوت و ازدواج و طلاق اشخاصی که ورقه هویت گرفته اند پس از فصول راپرت مأمور سبیل احوال در دفتر سبیل احوال ولایتی در مقابل اسم شخصی درستون مخصوص ثبت میشود

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده تصور میکنم که این ماده در مورد فوت يك نقضی دارد زیرا اطلاع دادن بدوائر سبیل احوال راجع بفوت يك تکلیفی است که باید معین شود بعقیده کی است و از این نقطه نظر ممکن است در مواردی که این قبیل اتفاقات امتداد در تعیین شخص متوفی و این که مسؤلیت اطلاع ندادن متوجه کیست تولید اشکالاتی بشود .

این است که بنده معتقدم این ماده باید اصلاح شود

تا اینکه شخص مسئول بعد از متوفی معلوم شود کیست

مخبر - در مواد بعد شخص مسئول بعد از متوفی ذکر خواهد شد و اگر مراجعه فرمائید در آنجا گفته است که چه اشخاصی بایستی بداره سبیل احوال و مأمور آن اداره اطلاع بدهند و در این ماده فقط وظیفه مأمور سبیل احوال را معین کرده است که پس از آن که راپرت فوت یا ازدواج یا طلاق بامور سبیل احوال رسید باید در آن دفتری که راجع باین مسئله است ثبت

کند و ترتیب اینکه اگر کسی مرد چطور اطلاع بدهند بامور سبیل احوال در مواد بعد هست

رئیس - ماده نهم (اینطور خوانده شد)

ماده نهم - از این تاریخ کلیه رؤسای خانواده ها مکلفند ولادت ازدواج طلاق و فوت افراد خانواده خود را منتهی در ظرف ده روز بامور سبیل احوال محل اقامت خود یا شهادت دفتر اطلاع دهند و نیز ازدواج کنند و طلاق دهند مسؤلیت دارد که مراتب را بر رئیس خانواده خود اطلاع دهد .

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده تصور میکنم علاوه بر اینکه این ماده يك اشکالاتی برای مردم فراهم میکند مأمورین ادارات سبیل احوال هم نمیتوانند کاملاً موفق بانجام خدمات خودشان بشوند

برای این که این ماده وظایفی را متوجه رؤسای خانواده ها میکند درحالتیکه آنها اینقدرها فراغت ندارند که بتوانند باین قبیل امور رسیدگی کنند یا شاید حاضر نباشند

زیرا میگوید رؤسای خانواده ها بایستی دقت کنند و در ظرف ده روز اگر کسی مرد یا متولد شد برونند بداره سبیل احوال اطلاع بدهند

حالا اگر رئیس خانواده حاضر نبود آنوقت تکلیف چه خواهد بود تکلیف اداره سبیل احوال چیست ؟

بعلاوه این ماده ناقص است برای اینکه بسیاری از جاها هست که اداره سبیل احوال نیست ممکن است در یک ایلی يك روز يك طفلی متولد شود یا کسی فوت نماید آنوقت این رئیس خانواده چطور میتواند از شش فرسخی یا ده فرسخی بداره سبیل احوال اطلاع بدهد

درحالتیکه مادر این قانون ادارات سبیل احوال و مفتشین بسیاری قائل نشده ایم در این صورت بعقیده بنده این ماده ناقص است و اشکالات زیادی هم برای مردم و هم برای اداره سبیل احوال تولید میکند .

مخبر - اینکه آقای فرمودند از برای رئیس خانواده تولید زحمت میکند البته هر قانونی که وضع میشود زحمانی هم برای يك عده فراهم میکند و اگر بخوایم زحمتی برای کسی قائل نشویم مستلزم این است که نه قانون و نه اداره و نه دفتر سبیل احوال داشته باشیم

ولی اگر بخوایم این قانون را مجری کنیم و ورقه هویت بدهیم و اظهارنامه بگیریم البته این قسمت ها بعقیده هر کس باشد يك زحمتی دارد و اگر شما تا این

اندازه از زحمت احتراز مینمائید پس خوب بود از اول در گفتار مخالفت میکردید و در مواد بعد هم تکلیف این قسمت ها را معین کرده است که اگر رئیس خانواده نباشد بعقیده قائم مقام او است و راجع باایلات هم که فرمودید البته هر ایلی يك بزرگتری دارد و اینکار هم بعقیده او است و دیگر اینکه ایلات که در حرکت هستند اداره سبیل احوالشان هم در حرکت است و در هر کجائی که باشند اداره سبیل احوال هم همراهشان هست و تکلیف آنها هم معین است و اسباب نگرانی نیست .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در احضار نامه ها یکبار در عدلیه هست یک هفته مدت معین میکنند و مدعی علیه حاضر شود و اگر حاضر نشود او را غائب می نویسند و اگر در خارج باشد احضار نامه که برایش میفرستند برای هر فرسخ یکروز وقت معین میکنند ولی این جا بطور مطلق نوشته شده است در ظرف ده روز بامور سبیل احوال اقامت خود را با شهادت دفتر اطلاع دهند .

مایک قانونی که میگذرانیم بقدری از برای آن توسعه بنظر من می آید که حد و حصر ندارد

از این جا تا پشت کوه طهران ده فرسخ راه است و حوادث هم بقدری در بین هست که حدی برایش تصور نمی شود آنوقت آن کسی که از ده فرسخی و هشت فرسخی باید بیاید طهران ورقه هویت بگیرد چطور میتواند در ظرف ده روز باین مواعینی که در پیش است خود را بداره سبیل احوال برساند ؟

باینکه در ده او اند یک کسی یکی از بستگانش فوت کرد این بیچاره چطور میتواند در ظرف این مدت بداره سبیل احوال اطلاع بدهد ؟

زیرا این شخص تازه روز باید از آمدن مردم پذیرائی کند

این دیگر چگونه میتواند در این مدت قبیل بیاید طهران و بگوید پدر من مرد یا پسر مرد ؟ و این عبارت که بطور مطلق ده روز معین کرده

یک نشار فوق العاده است بمردم و علاوه بر این در تبصره که ملاحظه می کنید نوشته است

اشخاصیکه در تحت قیمومیت هستند یا کسانی که ولی خاص ندارند مدعی العموم باید اطلاع بدهد

اینهم معلی نیست

بجهت اینکه مدعی العموم باید متصل در هر جائی بگردد و این اطفا لیکه اطراف و اگر آنها میشدند به بینند اینها ولی خاص دارند یا ندارند و ثبت کند که اینها حاجاتشان

کجا است مامانان کجا است . این مسئله دوریست زیرا این قسمت ها را وقتی میتوان تشخیص داد که سبیل احوال هویت تمام افراد را معین کرده باشد .

آنوقت مدعی العموم این کار را بکند والا بقول مطلق بچه هائی که ولی خاص ندارند مدعی العموم مسئول هویت آن ها است .

اینکه نمی شود مدعی العموم کف دستش را که بو نکرده است !!

که بدانند این بچه هائی که مستعد ولی خاص دارند یا ندارند و این طرز قانون نوشتن اسباب زحمت يك اداره خاصی مثل اداره مدعی العموم میشود

مخبر - اینکه آقای اظهار نگرانی می کنند از اینکه اگر یک فردی در یکی از دهات با قصبات مرد اسباب زحمت است که در این مدت ده روز بداره سبیل احوال اطلاع بدهند

این نگرانی ایشان انشاء الله در شور دوم مرتفع خواهد شد

زیرا معلوم میشود مواد بعد ملاحظه فرموده اند و در مواد بعد خواهند دید که حتی در قصبات و دهات هم مأمور سبیل احوال هست یعنی همان که خدائی که آنجا است يك دفتری دارد که هویت اشخاص را باید ثبت کند و خیلی هم آسان تر از این است که در طهران مثلاً بعضی از اشخاص از دروازه قزوین بیایند بداره بلدیه اطلاع بدهند

و اما نسبت بقسمت دیگر که ولی خاص و مدعی العموم باشد در کمیسیون هم دچار این اشکالات شدیم که اشخاصی که بی بضاعت و بیانی هستند یعنی اطفالی که پدر و مادرشان معلوم نیست این را بچه وسیله میتوان احصائی شان را معین کرد این بود که این کار را از وظایف مدعی العموم دانستند و حالا اگر آقای یک تشخیص دیگری را برای انجام اینکار مناسب تر میدانند پیش نهاد کنند البته کمیسیون هم مخالفت نخواهد کرد .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده تصور میکنم که این ترتیب يك تکلیف مالا باطنی برای رئیس خانواده زیرا باید مقدم طلاق فوت تولد تمام اینها را اداره سبیل احوال اطلاع بدهد این رئیس خانواده را آنطوری که بنده فرض کرده ام موجود قدرت و تسلطی ندارد مثلاً اگر مؤسین فرضی این رئیس فرض نخواست به رئیس خودشان اطلاع بدهند آن وقت تکلیف این رئیس فرضی چیست ؟ به علاوه میخواهم عرض کنم که هیچ قانونی نمیتواند فتو ازدواج را محدود بکند

فرض کنید سبزی خواست بدون اطلاع پدرش زنی اختیار کند آن وقت این عقد را چکار می کنید؟

نمی پذیرد.

بنده عرض میکنم شما قطعاً نمیتوانید نپذیرید.

بجهت اینکه این پذیرفته هست و دیگر محتاج پذیرفتن شما نیست آن وقت شما چکار میکنید؟

شما میگوئید رئیس خانواده حتماً باید خبر بدهد در صورتیکه او خبر نداده و مرد و زن هم باو اطلاع نداده اند بلکه آن مرد و زن خودشان را از رئیس تر از رئیس میدانند و گوید آن رئیس قدیمی است و محل اعتناء نیست و یکطور است که خودش را بالاتر از او میدانند در هر حال بنده عرض میکنم که این ترتیب اسباب ایجاد زحمت و اشکال فیما بین میشود و بالاخره بعضی از قسمت هایش را هم قول قطعی میدهم که عملی نخواهد شد.

مغیر اینچنانکه بنده نشسته بودم بعضی از آقایان به بنده نوشته اند که بگذارید موافقت هم دلالت موافقت خودشان را اظهار کنند و بعضی هم نوشته اند از آقای کازرونی و سایر آقایان مخالفین را محل قضیه را بخواهید که چه باید کرد؟

و دیگر اینکه عرض میکنم نه تنها شما طرفداری از رئیس خانواده میکنید بلکه قانون هم طرف داری کرده است و میگوید آن کسیکه طلاق میدهد با ازدواج میکند ملزم و مجبور است بر رئیس خانواده اطلاع بدهد و اگر اطلاع ندهد یک مسئولیتی متوجه او میشود و ضمناً رفع مسئولیت از رئیس خانواده هم میکند و هیچ اشکالی هم ندارد.

رئیس آقای شریعت زاده مخالفند؟

شریعت زاده - بلی.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - اعتراض بنده از دو جهت است.

یکی این است که در این ماده مینویسد رئیس خانواده از این تاریخ باید ازدواج و طلاق و فوت را اطلاع بدهد.

ماده ۳۱ که در آنجا میگوید از چه موقع این قانون بموقع اجراء گذارده میشود اساساً نباید در وقتیکه وضع قانون میشود گفته شود از این تاریخ زیرا معنای این جمله این است که از تاریخ انشاء مکلفند بانجام این عمل و حال آنکه اینطور نیست.

دیگر قسمتی است که مربوط است بتکلیف رئیس خانواده را جمیع اطلاع دادن ازدواج و عقد.

بنده تصور میکنم این تکلیف باید متوجه داماد باشد زیرا آن کسیکه رشتهدار

فرض کنید سبزی خواست بدون اطلاع پدرش زنی اختیار میکند هیچ دلیل ندارد تکلیفی که متوجه باو است بپذیری واگذار کند

رئیس - آقای هرمزی موافقت؟

هرمزی - خیر بنده همین اعتراض را که آقای شریعت زاده فرمودند داشتم

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - بنده خیال میکنم ایرادات آقای شریعت زاده صحیح بود ولی راجع بایرادات سایر آقایان میخواهم عرض کنم بقیه بنده بهترین قوانینی که برای مردم نافع است همین قانون سبزی احوال است که بمجلس آمده زیرا در روی این قانون است که مالیات ها تبدیل میشود و انتظامات درست میشود و بالاخره حکومت ملی مان در تحت این قانون محکم میشود پس اگر زحماتی هم متوجه اشخاص نماید وقتی که آن حرمان را با منافی که ممکن است از این قانون بدست آمده بسنجم می بینیم منافعش خیلی زیادتر است و حقیقتاً باید آن حرمان را تبدیل نمود

مثلاً خریدن یک لیوان بلور و آب ریختنش و بیخ انداختن در آن خوردنش زحمت دارد ولی البته خیلی بهتر از این است که با کف دست آب خورد و خیلی هم فرق دارد

مثلاً اجدادمان با کف دست آب میخوردند ولی تا حالا که خوراک درست میکنند و توی ظروف مختلفه میکشند و میخورند خیلی تفاوت کرده است و البته نوشیدن و خوردن هم زحمت دارد.

شما شهادت سال هفتاد سال صورتان را صرف میکنید برای اینکه بخورید و بنوشید البته این کار هم زحمت دارد و بصرف اینکه زحمت دارد نمی شود ما این قانون را تصویب نکنیم و بگوئیم برای مردم زحمت دارد که بروند اسم خانوادگی شان را ثبت کنند!

البته باید شما مردم را تشویق کنید و بزرگت بیارید و بکار بیاورید تا اینکه بروند اسم خانوادگی شان را ثبت کنند دیگر اینکه تکرار کردن که زحمت دارد مناسب ندارد و باید مردم خیلی متشکر باشند که چنین اداراتی درست و تأسیس شده است و میخواهند ترتیب زندگانشان را اداره کنند

اینکه میفرمائید مأمور نیست و باید بدهد یا زنده فرسخ راه بیاید و زحمت بکشد لازم است عرض کنم که الحمدلله چیزی که ما زیاد داریم و از آن احتیاج هستیم همان مأمور است

در هر کوره دهی مأمور داریم مأمور حکومت مأمور امین مأمور سبزی احوال در هر جا هستند

ممکن است یکی از آنها را مأمور این کار کنیم و تمام این ادارات هم جزء وزارت داخله است و وزارت داخله هم در همه جا جاها کم و مأمور دارد و بمحمدالله در همه جا یعنی در هر کوره مأمورین مختلف هستند و فرضاً در یک جا اگر مأمور ندارد مثلاً در فلان ده کدخدای حکم مأمور دارد و شخص ازدواج کننده بکدخدای میگوید من عروسی کرده ام بعلاوه خود کدخدای در مجلس عروسی میرود و می بیند و ثبت می کند.

اینها اشکال ندارد و اینقدر در لاسوزی برای مردم نیمانم برای چیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده می خواستم جواب آقای شریعت زاده را عرض کنم بعضی از نمایندگان مذاکرات کفایت

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد می نمایم ماده ۹ و بنوع ذیل اصلاح بشود.

از زمان تأسیس اداره سبزی احوال و گرفتن ورقه هویت روسای خانواده به بهانه بنده پیشنهاد مینمایم که که در ماده ۹ هم برای اشخاص معروف و غیر معروف حذف شود و این شکل اصلاح شود که که برای اشخاص غیر معروف دو نفر معرفی

دکتر احیاء السلطنه بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۹ هم تکلیف اطلاع دادن عقد و طلاق با اداره سبزی احوال بمعهده خود صاحب عقد و طلاق باشد فیروز.

رئیس - ماده ۹ هم قرائت میشود (شرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۰ - مأمور سبزی احوال خلاصه سبزی احوال را در دفتر مخصوص ثبت نموده ورقه هویت صادر مینماید.

نمونه نمره ۴

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده با این ماده مخالفتی ندارم فقط این ماده را در این قانون زائد میدانم و این را یکی از مواد نظامنامه داخلی ادارات میدانم.

رئیس - دیگر مخالفتی ندارد؟

(گفتند خیر)

ماده یازده را اجازه میدهم بماند برای بعد از تنفس در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع مجدداً تشکیل شد

رئیس - ماده یازده قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۱ درموقع ازدواج و طلاق مأمور سبزی احوال سواد مصدق از ورقه ازدواج و طلاق که بامضای مجری صیغه رسیده است گرفته ضبط می نماید و خلاصه آنرا در دفتر مخصوص در ورقه هویت زوجین ثبت میکند ثبت قطعی طلاق بعد از آنست که تفکیک قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید ثبت شود که دفعه چندم است.

نمونه نمره ۵ و نمره ۶

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای امیر زاعلی کازرونی - بنده نمیفهمم چه دلیلی دارد که سواد ورقه عقد و طلاق باید از صاحبان عقد و طلاق گرفته شود و برای چه باید ثبت شود که دفعه چندم است؟

اگر در حقیقت یک حکمتی دارد اقل مفسده ندارد خوبست آقای مغیر توضیحاتی در این باب بدهند تا بنده قانع شوم.

مغیر - اعتراض آقای کازرونی دو قسمت بود.

یکی اینکه چرا مردم باید سواد ورقه طلاق یا عقدا را بدارند سبزی بدهند دیگر اینکه چرا باید ثبت کنند که دفعه چندم است

گمان میکنم این دو قید هر دو لازم است دولت در لایحه که بکمیسیون فرستاده بود معتقد بود که باید اصل اوراق عقد و طلاق را بدارد سبزی احوال بدهند.

ولی کمیسیون نظر باختلاف و عادات ایرانیها این مسئله را نپذیرفت از این جهت معتقد شد که سواد مصدق از آن اوراق را بدارد بدهند و این ترتیب لازم است زیرا کاغذ عقد یکی است و آنرا معمولاً بدست زن میدهند و بعضی مفاصفا دارد.

اولا ممکن است زن کاغذ را بردارد و منکر شود اشخاصیکه در کارهای قضئی داخل بوده اند مکرر این ترتیب را دیده اند جنبه ای چون نبوده اند نمیدانند اما اینکه میفرمائید چرا باید ثبت شود که دفعه چندم است.

این قید هم لازم است زیرا یک کسی مثل چهار زن گرفته و پنجمی را که بگیرد مرتکب یک خلاف شرعی شده اگر این قید بشود و باز آن شخص بخواهد زن بگیرد مأمور سبزی احوال میتواند باو بگوید که تو چهار زن داری و دیگر لازم نیست ناهل اختیار کنی

در اینجا در واقع یک امر معروف و نهی از منکر می باشد و هیچ اشکالی

هم ندارد.

اگر اطلاع قبید شده است که ثبت شود برای این است که البته همه بدانند اطلاع قبید شده است که ثبت میشود که معلوم باشد طرف منکر نشود.

پس با ذکر این مراتب این ماده اشکالی ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کفایت.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود (باین نهج خوانده شد)

ماده ۱۲ - درموقع فوت مأمور سبزی احوال قضیه را در دفتر مخصوص ثبت و ورقه هویت متوفی را باطل می نماید نمونه نمره ۷

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۳ - قابلات و ساهها باید در ظرف ۲۴ ساعت مأمور سبزی احوال را کتباً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند و در صورت تخلف ازینج تاسی روز در صورت تکرار تا شش ماه حبس خواهند شد.

این ترتیب مطلق است و معلوم نیست که این حبس قابل اتباع است یا نه و اگر بنا باشد این حبس غیر قابل اتباع باشد بقیه بنده برخلاف حس و وجدان است.

اولا باید تفکیک شود که قابل اتباع هست یا نه و از پنج روز تا سی روز است عقیده ام این است از سه روز تا سی روز معین شود.

مغیر - مدت راه چه آقایان رأی بدهند کمیسیون مخالفتی ندارد و حبس هم حبس قابل اتباع است و در مواد بدمدم تصریح دارد.

اما نسبت به بیست و چهار ساعت که

فرمودند کم است . گمان میکنم زیاد ترش صلاح نباشد .

زیرا فرضاً يك نفر را کشته اند یا مسموم کرده اند و در موقعی که میخواهند او را غسل بدهند اگر بنا شود در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع دهند و در مدت زیادتری اطلاع بدهند آنوقت آن نتیجه که باید از مایه شخصی متوفی بگیرند از میان خواهد رفت و همچنین در مسئله تولد و این هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عقیده بنده این است دلالتی که آقای مغیر اظهار کردند متعین نیست .

زیرا اگر در ظرف بیست و چهار ساعت قائل شدند اطلاع بدهند برای اینکه اقداماتی که برای شخص مقتول یا مسموم بشود همان اقدامات را هم ممکن است بعد از ۴۸ ساعت یا پنج و شش ساعت بعد نمود چه بیست و چهار ساعت باشد چه دروز از حیث مدت فرقی ندارد و هر اقدامی که باید بشود می شود . و همچنین راجع بتولد و در هر صورت باید يك ادله بیآورند که مقنع باشد والا نباید يك مدتی را قرار داد که مردم در مضیقه باشند بنده مخالف با التزامات بیستم ولی با این مدت کم مخالفم .

مغیر - اگر نماینده محترم یکمذمت کمتری را پیشنهاد کنند چون مسئله اهمیت دارد ممکن است کمیسیون قبول کند ولی زیادتر از بیست و چهار ساعت را کمیسیون نمیتواند قبول کند .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . ماده چهاردهم قرائت میشود (باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۴ - در غیاب رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد ارشد و یا هر کس که قائم مقام آنها باشد مجبورند تولد و فوت و ازدواج و طلاق را در مدتی که در ماده ۹ قید شده بمأمور سبزی احوال راپرت دهند .

رئیس - راپرت جدید کمیسیون قرائت میشود .

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۴ - در غیاب رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد ارشد و یا هر کس که قائم مقام آنها باشد . تا آخر .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی

ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - در اینجا سایر اعضاء خانواده را هم تقریباً مسئول میکند با مقام مقام . و در حقیقت يك مسئولیتی متوجه اشخاص غیر مسئول میشود در صورتیکه مسئول حقاً همان زوج یا زوجه است .

زیرا آنها مباشر عملند و سایر اعضاء خانواده و افراد عاقله که اسامیشان ذکر شده بنده نمیدانم چرا باید آنها هم مسئول باشند .

بنده این فیود را خیلی زیاد میدانم عقیده ام این است ازدواج کننده و کسی که صاحب مولود است یعنی پدر یا مادر باید مراتب را اطلاع دهند .

مغیر - برای اینکه کار در تحت یک امر مرتبی در آمده باشد دولت پیشنهاد کرده و کمیسیون هم قبول کرده است که رئیس خانواده را مسئول و دیگران را مسئول او قرار دهند حالا در این ماده تکالیفی را که مقرر است بدارد سبزی احوال اطلاع دهند ذکر کرده اند مثلاً مینویسد طفلی که متولد میشود پدر باید اطلاع بدهد اگر پدر نباشد مادر باید اطلاع بدهد و همین طور سایرین و این مسئله اینقدرها اشکال ندارد اینقدر هم ما نباید ایرانیها را تنبیل فرض کنیم حتی اینکه حاضر نشوند بروند دو کله سبزی احوال خودشان را بنویسند .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در این ماده برای رئیس خانواده یا قائم مقام او تکالیفی معین کرده و این همان تکلیفی است که در ماده قبل برای قایم ها و غسالها معین شده بود در اینجا يك تکالیفی برای قایمها و غسال قائل شده بود و در مقابل تعصاف قایمها و غسالها مجازاتش معین شده بود .

بقیه بنده باید مضمون را بنویسد اگر رئیس خانواده یا قائم مقام او هم تخلف کردند اطلاع ندادند برای آنها هم يك مجازاتی منظور شود یکی دیگر در این ماده همان اشکالی که در ماده ۹ وارد بود وارد است برای اینکه تاریخی را که ماده ۹ معین کرده تاریخ تصویب قانون است و در اینجا هم اشاره بآن ماده شده است و دیگر عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مشار اعظم - بنده و هر کس که قائم مقام آنها باشد حذف میشود .

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد

میکند در ماده ۱۴ کلمه (راپورت) بکلمه (اطلاع) تبدیل شود

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود (باین شرح خوانده شد)

ماده ۱۵ - مأمورین سبزی احوال باید ولادت و فوت ، ازدواج و طلاق ساکنین محل خود را در طرف روز اول ماه بعد بمحکومت راپورت دهند .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس ماده ۱۶ - بر ترتیب ذیل قرائت شد

ماده ۱۶ - هر يك از مأمورین سبزی احوال چهار دفتر برای ولادت فوت ازدواج و طلاق خواهند داشت .

رئیس - مخالفی ندارد (گفتند خیر)

رئیس - ماده ۱۷ (اینطور بنخوانده شد)

ماده ۱۷ - در هر کز هر حوزه ولایتی علاوه بر دفتر مذکور در ماده هفتاد و نهم موسوم بدفتر موالیه ولایتی ترتیب داده میشود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در يك ستون و در ستونهای دیگر ازدواج و طلاق و وفات آنها ثبت میشود نمونه نمره ۸

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بقیه بنده باید مضمون را بنویسد اگر رئیس خانواده یا قائم مقام او هم تخلف کردند اطلاع ندادند برای آنها هم يك مجازاتی منظور شود یکی دیگر در این ماده همان اشکالی که در ماده ۹ وارد بود وارد است برای اینکه تاریخی را که ماده ۹ معین کرده تاریخ تصویب قانون است و در اینجا هم اشاره بآن ماده شده است و دیگر عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مشار اعظم - بنده و هر کس که قائم مقام آنها باشد حذف میشود .

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد

میکند در ماده ۱۴ کلمه (راپورت) بکلمه (اطلاع) تبدیل شود

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود (باین شرح خوانده شد)

ماده ۱۵ - مأمورین سبزی احوال باید ولادت و فوت ، ازدواج و طلاق ساکنین محل خود را در طرف روز اول ماه بعد بمحکومت راپورت دهند .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس ماده ۱۶ - بر ترتیب ذیل قرائت شد

ماده ۱۶ - هر يك از مأمورین سبزی احوال چهار دفتر برای ولادت فوت ازدواج و طلاق خواهند داشت .

رئیس - مخالفی ندارد (گفتند خیر)

رئیس - ماده ۱۷ (اینطور بنخوانده شد)

ماده ۱۷ - در هر کز هر حوزه ولایتی علاوه بر دفتر مذکور در ماده هفتاد و نهم موسوم بدفتر موالیه ولایتی ترتیب داده میشود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در يك ستون و در ستونهای دیگر ازدواج و طلاق و وفات آنها ثبت میشود نمونه نمره ۸

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بقیه بنده باید مضمون را بنویسد اگر رئیس خانواده یا قائم مقام او هم تخلف کردند اطلاع ندادند برای آنها هم يك مجازاتی منظور شود یکی دیگر در این ماده همان اشکالی که در ماده ۹ وارد بود وارد است برای اینکه تاریخی را که ماده ۹ معین کرده تاریخ تصویب قانون است و در اینجا هم اشاره بآن ماده شده است و دیگر عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مشار اعظم - بنده و هر کس که قائم مقام آنها باشد حذف میشود .

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد

است که متولد شده اند و وجود دارند يك قسمت برای اشخاصی است که بعد از این متولد خواهند شد و برای اینکه عده مولدات هم معلوم باشد والیه آنها هم وقتی که بزرگ شدند چون عقد دارند. طلاق دارند فوت دارند این دفتر تخصیص داده میشود برای کسانی که بعدها بدنیا میآیند که هم تولد وهم ازدواج وهم طلاق وهم فوتشان در آن دفتر نوشته میشود وهم چنین سایر قضایا و حوادثی که برای آنها اتفاق بیفتد باید در آنجا ثبت گردد

رئیس - آقای تهرنین (اجازه)

قدین - عرضی ندارم

رئیس - ماده ۲۲ - بهرورقه هوبتی که داده میشود و هر سواد مصدق یا تصدیقی که در دفاتر سجل احوال باشخاص ذی نفع ممکن است داده شود بکفران تبر الصاق میشود و فقرا بصندوق نظمی یا شعبات آن در شهرها و نایب الحکومه در قصبات و کدخدایا در دهات از تادیه وجه تبر معاف خواهند بود.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۹ - دفاتر سجل احوال با استثنای دفتر مذکور در ماده ۷ سال بسال تجدید شده اوراق آن را قبل باید رئیس نظمی در شهرها و صاحب منصبان امنیه در قصبات و قراة نمره گذارده امضا نمایند

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۰ - دفاتر سجل احوال باید پاکیزه و مرتب نوشته شده و بین السطور چیزی نوشته نشود و جای سفید نداشته باشد و هر گاه در نوشتن سهوی حاصل شده و محتاج بتصحیح شود ذیل آن را باید مأمور سجل احوال و نویسنده دفتر تصدیق نمایند.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت می شود.

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۱ - هر گاه اختلافی راجع بامداد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در مقام ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین معاکم صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف معاکم مزبور بهر وجه احکام قطعیه اسناد مذکور بطلال نشود دارای اعتبار خواهد بود و فقط معاکم مزبور میتوانند بتصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رای محکمه را در دفتر مخصوص

ثبت و در حاشیه دقت اصلاح شده قید می نماید.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیست و دوم (اینطور خوانده شد)

ماده ۲۲ - بهرورقه هوبتی که داده میشود و هر سواد مصدق یا تصدیقی که در دفاتر سجل احوال باشخاص ذی نفع ممکن است داده شود بکفران تبر الصاق میشود و فقرا بصندوق نظمی یا شعبات آن در شهرها و نایب الحکومه در قصبات و کدخدایا در دهات از تادیه وجه تبر معاف خواهند بود.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیست و چهارم (با اینضمون قرائت شد)

ماده ۲۴ - پس از یکسال از اجرای سجل احوال کسانی که ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مواد ۱-۲-۳-۴-۹-۱۴ برعهده آنها قرار گرفته انجام ننمایند از دو روز تا ده روز و در صورت تکرار از ده روز تا یکماه بحکم محکمه صالحه حبس خواهد شد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در اینجا که ذکر کرده اند از دو روز تا یکماه حبس شوند اشخاصی هستند که در خارج تهران هستند و ممکن است اطلاع پیدا نکنند آنوقت چه خواهد شد؟

بلاوه بنده يك مانع را زیاد میدانم و خوب است مدت حبس کمتر شود تا اسباب زحمت فراهم نشود

همخبر - پیشنهاد دولت از شش روز تا یکماه و در صورت تکرار شش ماه بوده کمیسیون مدت را زیاد دانست و اینمدت را تعیین کرده و گمان میکنم چیز زیادی نیست.

البته برای متخلف از قانون باید يك جزائی معین کرد.

بلاوه نوشته شده است که این حبس قابل ابتیاع خواهد بود در اینصورت اشکالی ندارد و حق ابتیاعش هم خیلی جزئی است از دوقران است تا پنج تومان

در اینصورت چندان اشکالی ندارد و متخلف فرضاً دوقران یا چهارقران میدهد و حبش را میخرد

رئیس - ماده بیست و چهارم از روی راپورت جدید قرائت میشود

هم باید برایش منظور کنیم و این مبلغ اقل چیزی است که منظور شده و بکفران چیز زیادی نیست و اهمیتی ندارد

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده موافقم

رئیس - ماده بیست و سوم (اینطور خوانده شد)

ماده ۲۳ - پس از یکسال از تاریخ اجرای سجل احوال مأمورین دولتی موظفند در موقع صدور کلیه اسناد رسمی از قبیل تعرفه انتخابات و جواز حمل اسلحه وغیره و کلیه مراجعات اشخاص بادارات دولتی ورقه هوبت مطالبه نمایند و الامتطابق ماده بیست و هفتم مجازات خواهند شد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

رئیس - ماده بیست و چهارم (با اینضمون قرائت شد)

ماده ۲۴ - پس از یکسال از اجرای سجل احوال کسانی که ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مواد ۱-۲-۳-۴-۹-۱۴ برعهده آنها قرار گرفته انجام ننمایند از دو روز تا ده روز و در صورت تکرار از ده روز تا یکماه بحکم محکمه صالحه حبس خواهد شد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در اینجا که ذکر کرده اند از دو روز تا یکماه حبس شوند اشخاصی هستند که در خارج تهران هستند و ممکن است اطلاع پیدا نکنند آنوقت چه خواهد شد؟

بلاوه بنده يك مانع را زیاد میدانم و خوب است مدت حبس کمتر شود تا اسباب زحمت فراهم نشود

همخبر - پیشنهاد دولت از شش روز تا یکماه و در صورت تکرار شش ماه بوده کمیسیون مدت را زیاد دانست و اینمدت را تعیین کرده و گمان میکنم چیز زیادی نیست.

البته برای متخلف از قانون باید يك جزائی معین کرد.

بلاوه نوشته شده است که این حبس قابل ابتیاع خواهد بود در اینصورت اشکالی ندارد و حق ابتیاعش هم خیلی جزئی است از دوقران است تا پنج تومان

در اینصورت چندان اشکالی ندارد و متخلف فرضاً دوقران یا چهارقران میدهد و حبش را میخرد

رئیس - ماده بیست و چهارم از روی راپورت جدید قرائت میشود

(این ترتیب قرائت شد)

ماده ۲۴ - پس از یکسال از اجرای قانون سجل احوال کسانی که ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که مواد ۲-۳-۴-۹-۱۴ برعهده آنها قرار گرفته انجام ننمایند تا آخر

رئیس - ماده يك حذف شده است.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - اصلاً مرانامه با قانون دوتا است.

در مجلس دوم يك اساسنامه برای وزارت معارف نوشتند و در آنجا تصریح کردند که تعلیمات در مملکت باید اجباری و عمومی باشد.

این مرام ماهست ولی در وقتی که ما پول و معلم پیدا کردیم اینچاهم نوشت است اگر استنکاف کردند آنها را بپرند و حبس کنند

خوب باید فهمید اصلاً دولت اینقدر محبس دارد؟

قانون را باید عملی نوشت در تهران که ا-الاعاات مردم بیشتر است ما می بینیم مدنی است که این قانون را عملی کرده اند و هنوز نتوانسته اند اجرا کنند.

آنوقت اینجا مینویسد پس از یکسال هر کس ورقه نگرفت دولت او را باید حبس کند اگر دولت میتواند اینقدر محبس تهیه کند بنده مخالفتی ندارم

همخبر - مسئله سجل احوال مدنی است در مرکز جاری است ولی تا بحال قانونی نبوده است که مردم خود را مجبور و مکلف بجا رای آن بدانند و البته بعد از آنکه قانونی شد و از مجلس گذشت مردم مکلف خواهند بود بر طبق آن رفتار کنند و اشکالی هم ندارد.

مطابق مواد هم که بعد خواهد آمد از طرف دولت دوام بدوام اعلاناتی در این موضوع خواهد شد و مردم تذکر میدهند و مواد قانون را با آنها اطلاع میدهند و با این ترتیب و تذکر در آخر سال اصلاً کسی باقی نخواهد ماند که محتاج به حبس شود اگر کسی هم در آخر مدت باقی ماند و بقانون عمل نکند مجازات خواهد شد.

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود.

ماده بیست و پنجم - کسانی که سند سجل احوال جعلی یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال و مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجل احوال از سه ماه تا دو سال بحکم محکمه صالحه محکوم به حبس میشوند و در صورت تکرار مجازات مندرج چاپ شده است.

در اینصورت تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات هم فراتر نروند

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنظر بنده همچو بنمایید که اصل عبارت غلط است.

زیرا سند سجل احوال جعلی باید باشد جعلی نوشته شده است.

اگر کلمه جعلی جعل شود بنده مخالفتی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده نمیدانم اگر کسی که ورقه سجل احوال جعل کرد یا ورقه جعلی را استعمال کرد اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

همخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

مخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای نتایج سوئی است که بآن واسطه آن شخص میخواید بمنافعی برسد

دولت آن ثقل را جزو جنایات نقلی کرده بود و کمیسیون هم همینطور تصور کرد.

والیه يك چنین شخصی با آن دزدی که حضرتعالی فرمودید هیچ فرقی نخواهد داشت.

اصلاً وقتی که شما حاضر شدید دزد و متقلب را مجازات کنید دیگر در مملکت دزدی باقی نخواهد ماند و ما باید طوری بکنیم تا انشاءالله شاید ثقل و تزویر از مملکت ما بر طرف شود و از بین برود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

شاهزاده غلامحسین میرزا - اشکال بنده راجع بهمان عبارتی بود که آقای طهرانی متذکر شدند

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود.

(باین کیفیت خوانده شد)

ماده بیست و ششم - حبس هائی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکنند بمناسبت تمکن و با رضایت کیفیت ارتکاب از فراد روزهی ۲۰ قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود.

همخبر - راپورت غلط چاپ شده است.

در راپورتی که کمیسیون داده از دو قران تا پنج تومان است و از يك و دو قران تا پنج قران غلط است و در مطبوعه غلط چاپ شده است.

در اینصورت تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات هم فراتر نروند

رئیس - از دوقران تا ده تومان؟

همخبر - بلی از دوقران تا پنج تومان صحیح است

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در اینجا بطور مطلق مینویسد اگر حبس از شش ماه تجاوز نکند قابل ابتیاع است بنده با حبس مخالف نیستم ولی موارد مختلف است.

مرتکبین اظهارات بوجوب ماده بیست و پنجم شریک در جنایات هستند و این عمل يك عمل جنایت کارانه است وقتی که در این قضیه محکوم شدند باید حبس شوند و این حبس نباید قابل ابتیاع باشد.

در ماده بیست و پنجم مینویسد کسانی که سند سجل احوال جعلی یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال و مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجل احوال از سه ماه تا دو سال بحکم محکمه صالحه محکوم به حبس میشوند.

در این ماده همچو معین کرده که اگر سند جعل کردند یا عالمی سند معمول را استعمال کردند از شش ماه به بالا ممکن است برای آنها جزا معین شود ولی برای يك نفر شریک جامل یا يك نفر شریک جنایت کار یا کسی که برای تضییع ورقه سجل احوال که سند رسمی است شهادت دروغ داده همچو قرار هم است که اگر آنها در محاکم صالحه محکوم به حبس شدند آنوقت از دو قران تا پنج تومان میتوانند حبس خودشان را بخزند

در صورتی که ما دیده ایم بواسطه این نوع شهادت های دروغ و این اقدامات مضره چقدر خانواده ها محو و تلف شده اند چون این قبیل اشخاص در حقیقت شریک در جنایت هستند

از این جهت بنده مخالفم که حبسشان قابل ابتیاع باشد

پس این عبارت قانون که مینویسد اگر حبس از شش ماه تجاوز نکند قابل ابتیاع است مضراست

اما مسئله روزی دوقران تا پنج تومان در قوانینی که سابقاً از کمیسیون های سابق مجلس گذشته در قانون اصول محاسنات جزائی حبس های قابل ابتیاع را از سه تومان زیادتر معین نکرده و برای اینکه تناسب پیدا کند خوب است اینجا هم تا سه تومان باشد.

همخبر - مبلغ را هر چه آقایان رای بدهند کمیسیون هیچ مخالفت نخواهد کرد ولی نسبت به ماه و شش ماه کمیسیون آن کارهائی را که بمنزله جنایت دانسته است حبس آنها را از شش ماه بیلاا وغیر قابل ابتیاع دانسته و آنکارهائی که نازل منزله جنایت نیست و اینتر از حد جنایت است

کمتر از شش ماه برای حبس معین کرده و قابل ابتیاع دانسته است و اگر نظریاتی آقایان در اینخصوص دارند مکن است پیشنهاد بفرمایند تا در کمیسیون در آن مذاکره شود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - آقای طهرانی در يك قسمت اشکال کرده که راجع به حبس قابل ابتیاع بود و بنده هم اساساً با حبس قابل ابتیاع مخالفم

مخصوصاً در این گونه امور زیرا اگر واقفاً کسی جزا باید داده شود باید داد و اگر مستوجب حبس است باید حبس شود و بنده عقیده دارم که جزا بطور مساوی باشد یعنی حبس برای همه باید یکسان باشد نه اینکه يك کسی حبس شود و دیگری فرار از حبس کند باین معنی کسی که پول داشته باشد مثلاً پنج تومان بدهد او حبس نشود اما دیگری که ندارد بدهد حبس شود

از این جهت بنده مخالف با حبس قابل ابتیاع هستم و گمان میکنم با این ترتیب اکثر از مردم یعنی تقریباً بیست برابر از مردم که پول ندارند بدهند و حبس خودشان را بخزند باید حبس شوند و يك عده کمی که پول دارند بدهند و حبس نشوند.

اگر چنانچه واقفاً در آمدها و پیدا کردن پول يك زحماتی داشت برای آنها بنده ممکن بود خیال کنم اینکه يك روز حبس شده است باید پنج روز حمت بکشد تا مثلاً ه تومان پیدا کند

ولی در مملکت ما این ترتیب و اصول کاملاً جاری نیست که اگر يك کسی پنج تومان پیدا کرد آن را با حمت پیدا کرده باشد

علی ای حال بنده هیچ حبسی را عقیده ندارم قابل ابتیاع باشد در بعضی جا هم بنده در نظر دارم که اصلاح حبس قابل ابتیاع نیست.

اگر مقصود از این حبس قابل ابتیاع انتفاع دولت است توضیح بدهند و اگر چنانچه مقصود تساوی حقوق است باید حبس قابل ابتیاع نباشد

زیرا عقیده بنده تبعیض میشود و بنده شدیداً با حبس قابل ابتیاع مخالفم مخصوصاً در اینجا

همخبر - حضرت والا با حبس قابل ابتیاع مخالفت فرمودند در کمیسیون هم در این موضوع خیلی مباحثه شد و بعضی از آقایان هم مخالف بودند

اساساً فرمایش حضرت والا صحیح است ولی تصور بفرمایند مثلاً يك کسی که

باید از صبح تا شب فعلکی و عملکی کند و هائبله خود را نان بدهد آن آدم محکوم شد برای عمل نکردن بقانون سه روز حبس حالا اگر این شخص را بردند و حبس کردند در این سه روز خانه اش از گرسنگی خواهند مرد.

حضرت والا اشخاصی را در نظر می گیرند که اگر شش ماه حبس شوند اهمیتی ندارد.

عرض کردم برای کارهای جزئی که کمتر از سه جنایت است کمیسیون حبس کمتر از شش ماه را قائل شده است و قابل ابتیاع البته آن کسی که کمتر چیز دارد قیمت حبس کمتر است

یعنی آن قسمتی که برای حبس میدهد دوقران است و آنهایی که بیشتر دارند سه تومان و پنج تومان از آنها خواهند گرفت و آن قسمتی که فرمودند که يك قسمت باید همیشه حبس باشد و يك قیمت باشد آن قسمتی را که در نظر حضرت والا است چه قابل ابتیاع باشد و چه نباشد حیووت حبس نمیشوند ولو هر جنایتی را مرتکب شوند.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده با اینکه باتمام مواد این قانون موافقم و عضو کمیسیون هم بوده ام ولی لایحه را که دولت برای قانون مجازات داده است اصلی که اتخاذ شده برخلاف حبس قابل ابتیاع است و بنده هم مخالفم حبس قابل ابتیاع را در اینجا قید کنم و عقیده دارم اصلاً این ماده باید حذف شود

و در قانون مجازات عمومی مملکتی هم حبس قابل ابتیاع را دولت از بین برده و نظر همه هم همین است که از بین برود

از این جهت بنده پیشنهاد کردم اساساً این ماده حذف شود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم مخالفم

مدارس - بنده توضیحی دارم اجازه بدهد توضیح بدهم

رئیس - شما هفتمی هستید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفتند بلی)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم ماده بیست و شش بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۹ این طور اصلاح شود:

حبس هائیکه بموجب این قانون مقرر است مطابق قانون مجازات عمل خواهد شد.

رئیس - ماده ۲۷ (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده بیست و هفتم مأمورینی که مرتکب خطا و تقصیر شوند یا برخلاف مواد این قانون اقدام نمایند به مجازات های مذکور در فقرات ۳ تا ۵ مواد قانون استخدام خواهند رسید و خساراتیکه در اثر اشتباه مأمورین سجل احوال متوجه اشخاص شود از طرف همان مأمورین باید جبران شود.
رئیس - مخالفی ندارد؟
آقای سید یعقوب - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
آقای سید یعقوب - بنده عرض میکنم که ما قانون برای سجل احوال مینویسیم نه برای مأمورین دولتی زیرا در قانون استخدام تکالیف مأمورین کشوری را معین کرده که مأمورین کشوری چه تکالیفی دارند و اینجاست راجع به مأمورین کشوری است و جایش اینجا نیست
 اگر مأمورین کشوری تخلف کنند در قانون استخدام مجازاتشان معین شده است دیگر اینجا از روی ندارد
مخبر - بله آنچه که نماینده محترم فرمودند صحیح است ولی اینجاست مأمورین کشوری را احاله داده ایم بقانون استخدام کشوری فقط چیزی که علاوه دارد بیاورد خواستیم این مسئله هم تأمین شود که آن مقصر یا خلاف کار باید جبران خسارت مردم را بکند و این در قانون استخدام پیش بینی نشده است
رئیس - آقای قائم مقام الملك (اجازه)
قائم مقام الملك - بنده در خصوص همین مسئله که آقا میفرمایند که هرگاه خسارتی از کسی بکسی برسد باید بدهد بنده باین مخالفم زیرا ممکن است يك مأموری ماهی پانزده تومان حقوق باشد و اشتباهاً يك خسارتی بمن وارد آورد هزار تومان آنوقت دولت که بمن چیزی نبدهد این مأمور ماهی پانزده تومان رابه من تعویل میده و میگوید تو خسارت ترا از این بگیر
 این بیچاره که ماهی پانزده تومان بیشتر ندارد خسارت بنده از کجا باید داده شود
 باید يك ترتیبی داد که خسارت مرا کسی همده دار شود که بتواند از همده خسارت برآید نه اینکه متوجه يك بدبختی باشد که من باید مخارج او را هم بدهم
مخبر - مأمورینی که دچار خطا یا اشتباه شده باشند برای آنها مجازات معین نکرده ایم برای آنها که مرتکب تقصیر میشوند مجازات معین شده.
 البته آن کسی که پانزده تومان حقوق دارد و مرتکب خطا میشود و هزار تومان حضرتعالی ضرر میزند بر حضرتعالی است

که جلوگیری بکنند ولی البته سهواً اشتباه همیشه در مقام خود معفو خواهد بود
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - این فرمایش آقا بنظر بنده چیز عملی است زیرا فرض بفرمائید در نتیجه ارتکاب خطا و خطا يك کسی پنج هزار تومان به يك نفر خسارت وارد آورد آن شخص را هم میفرمایند مأمور دولت است و پنجشاهی هم تحمل ندارد و آن پنج هزار تومانی که خسارت وارد آورده از طرف نماینده يك دولتی این خسارت وارد آمده و در حقیقت این شخص خسارتش از بین رفته
 یعنی آن مأمور ندارد که خسارت این شخص را بدهد دولت هم که نمیده و جزائی هم که برای این خطا معین نیست بنابراین بنده بانظریه آقای قائم مقام الملك موافقم
مخبر - این موضوعی که میفرمایند هنوز يك همچو قانونی که از طرف دولت جبران خسارت وارد بر مردم بشود وضع نشده است
 در صورتیکه هر کسی باعث وارد شدن خسارتی بر يك نفر بشود بایستی خودش از همده برآید
 ولی هنوز يك همچو قانونی وضع نشده که اگر مأمورین دولت خسارتی بکسی وارد آوردند دولت از همده برآید و چون يك همچو قانونی وضع نشده است خسارت وارده بر مردم همانطور بحالت خودش باقی است
 در اینجا هم نمیتوانیم این نظریه را تأمین کنیم که دولت خودش مسئول باشد و در کمیسیون هم مذاکره شده و نماینده دولت قبول نکرد که دولت از همده خسارت برآید
رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)
شیخ الرئیس - اصل اشکالی را که آقای قائم مقام الملك فرمودند آقای مخبر گویا ملتفت نشدند
 زیرا جواب غریبی دادند خیال کردند که آقای قائم مقام الملك دلشان برای آن کسی که پانزده تومان حقوق میگیرد سوخته خیر مقصود ایشان این بود که مردم این مؤسسات را مؤسسات دولتی میدانند و بنظر دولت نگاه میکنند و به اطمینان دولت بدارا - مراجعه میکنند
 دیروز بود که قانون علامه صنعتی در اینجا مذاکره بود و گفته شد که اگر يك کسی علامتی را که مان دیگری بود ضبط کند چقدر باید جرم بدهد
 در اینجا هم بهتر این است ما فکر کنیم که اگر ضرری بر مردم خورد این ضرر از نقطه نظری دولت است زیرا اگر نظر به

دولت نبوده باشد من به آن شخص که مأمور دولت است يك کفاخذ صد دیناری هم اطمینان نمیکنم بدهم
 از این جهت دولت باید از همده خسارت برآید و از مرتکب مطالبه کند
 زیرا این ضرر به بنده از طرف دولت وارد شده
 لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که دولت باید از همده خسارت برآید و از مرتکب دریافت کند
 (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
 باید دولت از همده برآید و از مرتکب دریافت کند
رئیس - ماده بیست و هشت (بترتیب ذیل قرائت شد)
 ماده ۲۸ - مسئولیت سجل احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن در شهرها با اداره بلدیه یا نظمیه و در قصبات با نایب الحکومه و در دهات با کدخدای است که بکمک محررین رسمیات و وظایف سجل احوال را انجام میدهد و در معالک خارجه بانمایندگان دولت است
 تبصره - مسئولیت سجل احوال ایالات بارتیس ایل و مباشرت آن با خوانین و کدخدایان ایل خواهد بود
رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)
رئیس - ماده بیست و نه (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۲۹ - حکام بوسیله مأمورین مخصوص و صاحبان معینان امینة دفاتر سجل احوال حوزه حکومتی خود را مرتباً نظارت وفتیش نموده نواقص کار آنها را رفع مینمایند و مرتباً بایده وزارت داخله را از جریان سجل احوال مطلع نمایند
رئیس - مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده سی (باین مضمون قرائت گردید)
 ماده سی ام - مأمورین سجل احوال در سال اول تأسیس شعب سجل احوال مکلفند که در هر دو ماه یکمرتبه اهالی آن محل را متذکر گرفتن اوراق هویت نموده و مجازاتهای مقرر را بوسیله اعلانات باهالی گوشزد نمایند
رئیس - ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - ماده سی و یک (بمبارت ذیل قرائت شد)
 ماده ۳۱ - وزارت داخله مأمور اجرای این قانون است که بلافاصله پس از تصویب وسایل اجرای آنرا فراهم آورده و پس از شش ماه شروع باجرا نمایند
رئیس - ایرادی ندارد

بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - شور اول تمام شد
 رأی میگیریم برود در شور ثانی
 آقایانی که ورود دوشور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 پیشنهاد طرح قانونی از طرف چهل پنجاه نفر آقایان رسیده است قرائت میشود و مجلس را معین فرمائید که بکجا باید مراجعه شود
 (بشرح ذیل قرائت گردید)
 مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه
 از آنجائی که نوه قوم و ملتی مستلزم آن است حتی الامکان اساس ملیت خود را بر پایه های ملیتیش استوار و از فشار های فرمی که بر مردم ایام بر اصول تاریخی ملی نشسته يك سازد
 بعقیده امضا کنندگان یکی از آنها اصلاح تاریخ ماه و سال ملی است که ایرانیان با وجود داشتن بهترین تاریخ شسی که معنی هر يك از آن ماهها کاملاً موافقت بمقتضیات فصل موجوده مملکت مینماید متأسفانه بر مردم ایام قهراً با بطل غیر معلوم دیگر از صورت اصلی خارج و گاهی به اسامی بی تناسب حیوانات و یا بروج آمیخته شده است
 فرضاً هم ذکر بروج در وقتی لزوم میبود همان الفاظ معینی که از قدیم برای بروج مستعمل بود - برای حفظ آثار ملی و تاریخی بر صورت حاضر برتری و در جهان میداشت
 لهذا پیشنهاد مینمائیم که مجلس شورای ملی تصویب ماده واحده ذیل موافقت و دولت را مکلف فرماید از آغاز نوروز آینده تاریخ سال را از آن قرار مجری دارد
 ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب و دولت را مکلف باجراء مینماید که از آغاز نوروز ۱۳۰۴ آینده تاریخ رسمی سالنامه مملکت ایران را بترتیب سال های شسی قدیم از ماه فروردین شروع نموده و هر سال را با ماه اسفند که دوازدهمین ماه است خاتمه دهد
 مطابقاً در تمام دوائر دولتی اجراء و از ذکر سنوات ترکی و بروج معموله سابق احتراز نماید
رئیس - بکمیسیون داخله باید برود آقای یاسانی
یاسانی - بعقیده بنده چون طرح قانونی است باید برود بکمیسیون معینات
 بعد هم باید برود بکمیسیون معارف زیرا يك جنبه ادبی هم دارد و چیزهایی که جنبه ادبی دارد باید برود به کمیسیون معارف
رئیس - صحیح است - مراجعه میشود

بکمیسیون معینات
 شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - چون تقاضای فوریت با مطابق نظامنامه باید در اول کرد لهذا بنده تقاضای فوریت هم میکنم
رئیس - مخالفی دارد؟ (بعضی گفتند - خیر)
رئیس - آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 جلسه آتیه سه شنبه دستور هم لایحه مالیات تصاهدی آقای مشار اعظم (اجازه)
مشار اعظم - در تاریخ ۲۳ عقرب طرح قانونی راجع به تشکیل کلاسهای علمی و صنعتی در مدارس ابتدائی تقدیم شد و از کمیسیون معارف هم گذشته بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافقت مینمایند جزء دستور جلسه آتیه شود
رئیس - دستور را قبلاً مجلس معین کرده است
 مشار اعظم - دوسه فقره اش گذشته است
رئیس - پس روز سه شنبه در این باب رأی میگیریم
 آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - بنده راجع بلایحه میزبانی پیشنهادی کرده بودم که روزهای شنبه را اختصاص باینکار بدهند تقاضا میکنم قرائت و در این باب رأی گرفته شود
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده عقیده دارم روزهای شنبه مخصوص شور در لایحه میزبانی باشد (اجازه)
 حائری زاده - تقریباً یکسال از عمر مجلس گذشته و دو کمیسیون قوانین مالیه عوض شده هنوز کمیسیون از ماده اول به ماده دوم نرسیده و این ترتیبی که کمیسیون این لایحه را میگذرانند در این مجلس نمیگذرد چون این لایحه در مجلس سابق دو شور درش شده و آخر شور دوم بود که دولت آنرا استرداد کرد
 لهذا بنده عقیده دارم هفته يك روز اختصاص باین لایحه داده شود و در این موضوع رأی بدهند
 آقایان بعضی اعتراض دارند که بعضی معلمان زیاد و بعضی ها کم است در صورتیکه هر شکل این لایحه را بمجلس بیاورید
 این اعتراضات وارد است و تا این قانون هم از مجلس نگذرد تکلیف مردم و مأمورین مالیه معین نمیشود و معلوم نمیشود که آیا صد پنج ضرر دولت است یا شفع

دولت ما باید يك مدرک بدست دولت بدهم آنوقت اگر این مدرک بدست دولت داده شد و دولت دید صد پنج ضرر درش است يك صدیک اضافه پیشنهاد میکند و اگر دید ضرر مردم است يك صد يك کم میکند و لایحه اش را میاورد و از مجلس میگذرانند که مثلاً دولت از قنوت صد چهار باید بگیرد یا صد شش باید بگیرد
 بهرحال بلا تکلیف گذاردن این لایحه کار صحیحی نیست و بنده تقاضا میکنم این لایحه بیاید در مجلس مطرح شود و هفته يك روز برای اینکار معین شود تا از مجلس بگذرد
رئیس - آقای همداد السلطنه (اجازه)
 همداد السلطنه - اولاً با این اصلی که پیش آمده است که روز شنبه برای چکار و يك شنبه برای چکار بنده با این اصل مخالفم و حالاً میخواهم دلایل مخالفت خودم را راجع باین موضوع عرض کنم راجع بلایحه میزبانی که آقای حائری زاده اعتراض فرمودند که اگر این ترتیب باشد در دوره پنجم هم بمجلس نخواهد آمد این اعتراضات صحیح نیست
 زیرا اولاً علت اینکه در دوره چهارم این لایحه از دستور خارج شد برای این بود که در دوره چهارم مجلس تصویب کرده بود که يك متخصصینی از آمریکا بیایند باین جهت شما خواستید اینها هم در این لایحه نظری بکنند و در این مدت آن ها مطالعاتی کردند و نتیجه مطالعات آنها این شد که اگر آن لایحه میزبانی در دوره چهارم از مجلس میگذشت علاوه بر اینکه يك تبدیلی نمیشد باین جهت بود که يك لایحه میزبانی جدیدی تهیه کردند و آوردند بمجلس و بکمیسیون ارجاع شد و کمیسیون هم با تکمال جدید مشغول مطالعه است و اینطوری که جناب عالی تصور کرده اید نیست
 شور اول آنها تمام شده و در شور دوم در ماده اول که اساس این لایحه است چندین جلسه کمیسیون صرف وقت کرده است و اینکه میفرمائید در عمل به بیند صد چهار کم است صد پنج کنند یا صد پنج کم است صد شش بکنند
 در این مسئله يك تحقیقات عینی شده است دولت در يك ایالت یا ولایت باقنای که املاک را میز کرده اند آن میزبانیها را مدرک قرارداد داده و در کمیسیون ارزش آن میزبانیها که دولت ضرر کرده مشغول مطالعه است
 پیشنهادهای خیلی مختلفی هم شده و همان طور که آقای مشار اعظم توضیح دادند دیروز عصر هم با حضور نماینده دولت يك مذاکراتی در کمیسیون شد و تا مقداری از شب رفته در این باب مذاکره میکردند بالاخره قرار اینطور شد در نتیجه يك پیشنهادی

که اخیراً نماینده دولت کرد این موضوع را با آن میزبانیها که کرده اند مقایسه کنند و امروز عصر بیاورند اینجواب از مذاکره شود
 و اما اینکه بنده مخالفم قبل از اینکه این لایحه اساساً در کمیسیون بگذرد بیاید بمجلس و در مجلس مطرح شود برای این است که در صورتیکه يك کمیسیون دوازده نفری بتواند موفق باخذ يك نتیجه بشود آیا در مجلس ممکن است با این وضعیت و ترتیبات تصویب شود؟
 و علاوه لایحه میزبانی يك چیز آسان و معمولی نیست که بشود در يك جلسه آنرا بگذرانند این قانون سجل احوال یا قرار داد پستی و تلگرافی نیست که در يك جلسه بگذرد شما میخواهید اساس مالیات يك مملکت را تغییر بدهید این اگر يك ماه یا چهار روز یا دو ماه دیرتر شود و طوری نشود که عوائد دولت کمتر از این شود و در نتیجه مالیات هم تعدیل شود و از روی عدالت گرفته شود بهتر است و هیچ اشکالی هم نخواهد داشت و در این صورت بایستی این فرمایشات را بفرمایند در هر صورت گمان میکنم
 بیش از يك ماه دیگر هم طول نکشد که این لایحه از کمیسیون گذشته و تقدیم مجلس شود آنوقت داخل در شور آن بشوند که نتیجه صحیحی گرفته شود
رئیس - عده برای رأی کافی نیست جلسه ختم میشود (مجلس تیساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك
 منشی
 منشی
جلسه صد و هفتم
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه ۲۳ برج جدی
۱۳۰۴ مطابق هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۴۳
 مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم جدی را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)
رئیس - آقای مدرس (اجازه)
مدرس - بنده قبل از دستور عرضی دارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - عرض بنده هم قبل از دستور است
رئیس - آقای ضیاءالواظنین (اجازه)
ضیاءالواظنین - قبل از دستور